

بسوی جنبش عمومی سراسری

مصاحبه کانال جدید با حمید تقوائی

۹ فوریه ۲۰۲۲
این نوشته بر مبنای مصاحبه با کانال جدید تدوین شده است
مندرج در انترناسیونال ۹۵۹

خلیل کیوان: چهار جنبش سراسری فضای جامعه ایران را بشدت تحت تاثیر قرار داده است، جنبشهای دادخواهی، بازنشستگان، معلمان و همینطور آزادی زندانیان سیاسی. مختصات و موقعیت و توان هر یک از این جنبشها چه هست، جنبشهای دیگر مثل جنبش کارگری و جنبش زنان و جنبش ضد مذهبی در چه وضعیتی هستند. این جنبشها را چطور میشود به هم پیوند داد و هماهنگ کرد، چه موانعی بر سر اتحاد این جنبشها و سازماندهی یک جنبش عمومی سراسری در ایران وجود دارد؟ این پرسشها را با حمید تقوایی در میان میگذاریم.

حمید تقوایی، مبارزات سراسری در ایران یک واقعیت روزمره و قابل مشاهده است. حتی در

اجلاس امنیتی سری ای که اخیراً سران جمهوری اسلامی داشتند و اسنادش فاش شد سران حکومت از قریب الوقوع بودن انفجار اجتماعی صحبت میکنند، از اعتراضات زیرپوستی جامعه صحبت میکنند و منتظر هستند که این اعتراضات در جامعه سراسری و فراگیر بشود. شما دورنمای این اعتراضات را چطور ارزیابی میکنید؟

حمید تقوائی: اعتراضات و مبارزات در همه عرصه‌هایی که شما به آنها اشاره کردید و فراتر از آن در بخشهای مختلفی با شعارها و اهداف برحق و آزادی خواهانه مدتهاست در جریان است. در شرایط سیاسی ایران این یک واقعیت جاری و هر روزه است. حتی از مدتها قبل از خیزش

۹۶ اعتصابات کارگری و اعتراضات و مبارزات
بخشهای مختلف جامعه در جریان بود. اما آنچه
ویژگی این دوره است، سراسری بودن مبارزات
و اعتصابات است. مبارزات جاری معلمان،
بازنشستگان، جنبش دادخواهی، جنبش برای
آزادی زندانیان سیاسی، همه در شکل سراسری
به پیش میروند. جنبش دادخواهی که ابعادش به
خارج از کشور هم کشیده شده است، همینطور
مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی که از اوین
تا وین را به هم وصل کرده و هنوز ادامه دارد،
معلمان هم میدانید که در بیش از سیصد شهر
و روستا به خیابانها آمدند و ما در همین برنامه
پاسخ در هفته قبل درباره اش صحبت کردیم،
همه اینها ابعادی سراسر دارند. اخیراً هم ۲۹
تشکل بازنشستگان فراخوان تجمعات سراسری

داده اند.

در جنبش کارگری هم شاهد اعتصابات سراسری بوده ایم. در ماههای گذشته مبارزه کارگران نفت و کارگران پتروشیمی خصلتی سراسری پیدا کرد و تقریباً تمام مراکز نفتی در شهرهای مختلف را در بر گرفت. ازینرو میتوان گفت امروز سراسری بودن و سراسری شدن یک ویژگی تقریباً همه مبارزات و جنبش های اعتراضی است. اهمیت این امر اینجاست که نشان میدهد بخش اعظم مردم بستوه آمده اند و متحدانه برای رسیدن به خواسته های برحق شان به میدان آمده اند. اینجا دیگر بحث بر سر عصیان یا شورش یا خیزش های مقطعی نیست. تمام این جنبشهایی که اشاره کردم برای ماه ها و برخی سالها ادامه

داشته است. مثلاً مبارزه کارگران هفت تپه که نزدیک به یک دهه است ادامه دارد و همینطور مبارزه معلمان و یا مبارزات بازنشستگان که هر روز گسترده تر میشود. همین طور است مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و جنبش دادخواهی. این جنبشها بعد از ۹۸ اوج تازه ای گرفته است. جنبش دادخواهی که از دهه شصت شکل گرفت و مادران خاوران نیروی محوری آن بودند بعد از شلیک به هواپیما و کشتار آبانماه بخشهای وسیعتری از جامعه به آن پیوستند و امروز انجمن قربانیان شلیک به هواپیما و مادران آبان نیز در کنار مادران خاوران به حرکت گسترده ای شکل داده اند. جنبش آزادی زندانیان سیاسی نیز به دنبال قتل بکتاش آبتین ابعاد گسترده تری پیدا کرده

است. همین طور است جنبش سراسری معلمان و بازنشستگان. دو خصلت مهم را میشود در این جنبشها مشاهده کرد، یکی ادامه کاری و پیگیری این مبارزات و دوم سراسری بودنشان. این دو نقطه قوت مهم جنبشهای جاری است.

خیل کیوان: چهار جنبش معلمان، بازنشستگان، دادخواهی و آزادی زندانیان سیاسی بسیار متعین و پر قدرت هستند که به جوانب آن اشاره کردید، علاوه بر این ما جنبش کارگری را داریم، جنبش آزادی زن را داریم، جنبش خلاصی از مذهب و ضد مذهبی را داریم. جنبش کارگری طی سالهای گذشته چه در سطح محلی چه در سطح سراسری حرکتهای قدرتمندی داشت، شاهد گسترش جنبش شورایی را بودیم که

هفت تپه آغازگر آن بود، زنان در خیابانها عليه حجاب مبارزه میکنند، اعتصابات صنایع نفت و پتروشیمی را داشتیم که سراسری بود، راه آهن و برق که سراسری بود، مجموع اینها چه دورنمایی را ترسیم میکند؟

حمید تقوائی: نکته اول این است که اعتراضات و اعتصابات کارگری نیز خصلتی سراسری یافته است. مشخصا اعتصاب کارگران نفت در ابعاد گسترده ای شکل سراسری به خود گرفت. میدانید صنعت نفت رشته خیلی حساس و حیاتی برای حکومت است و رژیم از همان آغاز به قدرت رسیدن تمام تلاش اش را بکار برده بود که صنعت نفت را کاملا کنترل کند و اجازه ندهد اعتراضی در این صنعت رخ بدهد.

اعتصاب سراسری کارگران نفت تمام این تلاشها را نقش بر آب کرد. کارگران نفت با قدرت در یک سطح سراسری به میدان آمدند و الگوهای تازه و پیشروئی نظیر تشکیل مجمع عمومی و شورای سازماندهی اعتراضات به دست دادند.

ولی اهمیت جنبش کارگری از این فراتر است. بنظر من جنبش کارگری شعارها، خواستهها و چشم اندازی را مطرح میکند و جلو جامعه می گذارد که خط دهنده است. مردمی که علیه تبعیض، علیه فقر، علیه نابرابری، علیه "حقوقهای نجومی فلاکت عمومی" به میدان آمده اند الگو و الهام و جهت شان را از جنبش کارگری میگیرند. مهمترین شعاری که جنبش کارگری مطرح کرده و عملاً دست به کارش شده

اداره شورایی است که نه فقط به جنبش کارگری بلکه به کل جامعه مربوط میشود و این افق را در جلوی جامعه می گذارد که خود ما مردم باید سرنوشتمان را در دست بگیریم و جامعه را اداره کنیم. هیچ قدرت مافوق جامعه و بالای سر خودمان را نمی خواهیم، باصطلاح آقا بالا سر نمیخواهیم. اداره شورائی علاوه بر اینکه شکل موثری در سازماندهی مبارزات به دست میدهد، رو به آینده نیز اعلام میکند که چطور مردم میتوانند در اداره امور خودشان دخیل بشوند و حکومت را خود در دست بگیرند.

دستاورد دیگر جنبش کارگری سازماندهی شورایی در دل مبارزات جاری است. هم کارگران نفت شورای سازماندهی اعتراضات را داشتند

که آنرا عملاً رهبری میکرد و هم کارگران هفت تپه تشکل شورایی برپا کردند و اعلام کردند پنج هزار کارگر هفت تپه عضو این شورا هستند. امروز ما شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان را داریم که رهبری مبارزات معلمان را در دست دارد. شورا به عنوان یک ارگان مبارزاتی موثر و کارا در پیشبرد مبارزات جاری. این الگو را هم جنبش کارگری در برابر جامعه می گذارد.

شما به جنبش علیه مذهب اشاره کردید. این جنبش هم تعرض تازه ای را شروع کرده و اوج تازه ای گرفته آنهم با پیشکسوتی زنان. زنان در صف مقدم مبارزه علیه مذهب هم هستند، لگد کردن عمامه ها و برداشتن حجاب و چادرها در ملا عام و همچنین "نقل و نبات" نثار اسلام

و مقدسات اسلامی کردن در متروها و در اتوبوسها و در مجامع عمومی را زنان جسوری انجام میدهند که پرچم علیه سیاستهای ضد زن و آپارتاید جنسی را نیز بلند کرده اند. در واقع شاهد یک تعرض ضد مذهبی از جانب زنانی هستیم که برای رفع تبعیض جنسیتی، برای حقوق انسانی خود در همه زمینه ها، برای جلوگیری از فاجعه قتل‌های ناموسی - که آخرین نمونه آن قتل فجیع و تکانه‌دهنده مونا حیدری بود - مبارزه میکنند و با مذهب و حکومت مذهبی به عنوان عامل این بی حقوقی ها و تبعیضات و جنایات زن ستیزانه در افتاده اند.

پیشرویهای جنبش کارگری با پرچم اداره شورائی و تشکیل شوراها و مجامع عمومی

در دل مبارزات، تعرض و کوبندگی جنبش دادخواهی، جنبش زنان، جنبش علیه تبعیض جنسیتی، برآمد ضد مذهبی جامعه و غیره و غیره، اینها نشانه یک جو و فضای عمومی اعتراضی علیه کل جمهوری اسلامی است. اینها در واقع نهرهای مختلفی هستند که بالاخره در رودخانه خروشان انقلاب و حرکت مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی سر بهم خواهند آورد و حکومت را بزیر خواهند کشید.

خلیل کیوان: از مختصات جنبشهای مختلف صحبت کردیم. حالا برویم سر نکته اصلی که تیتربرنامه مان است. چطور میشود این جنبشها را بهم پیوند داد، هماهنگ شان کرد به نحوی که شکل و شمایل یک جنبش عمومی به خود

بگیرند. برای مثال مضمون شعارهایشان چه باید باشد، چه اهدافی را دنبال کنند، آیا باید اهداف واحد، شعارهای واحد و یک مضمون و خواست واحدی را در دستور بگذارند تا سراسری بشوند؟

حمید تقوائی: بنظر من همین امروز هم شعارها و اهدافی که این جنبش های مختلف مطرح میکنند بسیار به هم نزدیک است. مثلا مبارزه برای ارتقای سطح معیشت یک امر مهم و مشترک جنبش کارگری، جنبش معلمان، و جنبش بازنشستگان است. یا مبارزه علیه سیستم قضایی، علیه پرونده سازی های امنیتی، علیه سرکوب، علیه اعدام ها و غیره وجه مشترک همه این جنبشها است. بویژه جنبش آزادی زندانیان سیاسی و جنبش دادخواهی از این

نظر وجه مشترک زیادی دارند. طبعاً هر جنبشی اهداف، اولویتها، و خواستههای ویژه خودش را نیز مطرح میکند. عمومی شدن این مبارزات لزوماً بدین معنا نیست که همه یک شعار واحد و یا یک مطالبه واحد را مطرح کنند بلکه میشود حول لیست واحدی که در برگیرنده خواستههای همه بخشهای جامعه باشد هماهنگ شد. مثلاً میتوان خواست جنبش معلمان مبنی بر رتبه بندی مشاغل را در کنار افزایش دستمزدها که جنبش کارگری پرچمش را بلند کرده است، مطرح کرد. و یا خواست آزادی معلمان زندانی و آزادی کارگران زندانی را به عنوان مصادیق مشخص آزادی همه زندانیان سیاسی در همه جنبشهای اعتراضی جاری مطرح و اعلام کرد. همچنین در شرایط حاضر که داریم به هشت

مارس، روز جهانی زن نزدیک می شویم همه این جنبشها میتوانند با شعارهای مشترک علیه آپارتاید جنسیتی، علیه حجاب اجباری، علیه قتل‌های ناموسی و دیگر خواسته‌هایی که جنبش زنان مطرح میکند، همصدا به میدان بیایند.

بحثم را خلاصه کنم. اولاً مضمون، شعار و اهداف جنبشهای جاری فی الحال تا حد زیادی هم جهت و حتی مشترک است و در ثانی لزوماً شکلگیری اعتراض و اعتصاب عمومی در گروه یک شعار واحد نیست بلکه حرکت اعتراضی عمومی میتواند حول مجموعه‌ای از شعارها شکل بگیرد. جنبشهای اعتراضی مختلف وقتی هماهنگ شوند و در کنار هم قرار بگیرند مسلماً به شعار واحد هم میرسند. نهایتاً خواست

توده مردم معترض و شعار استراتژیک همه این جنبشها سرنگونی جمهوری اسلامی است ولی برای کنار هم قرار گرفتن این پیش شرط نیست که همه با شعار سرنگونی به میدان بیائیم. همین امروز میتوان با مجموعه ای از خواستههای جنبشهای مختلف و مثلا با پنج یا ده شعار کلیدی به میدان آمد. این کاملا ممکن است و باید در این جهت حرکت کرد.

خلیل کیوان: از نظر سازماندهی چه، آیا باید فعالین و تشکلهای موجود فعالین و اکتیویستهای عرصه های مختلف در ظرف معینی دور هم جمع شوند و تصمیمات مشترک بگیرند؟

حمید تقوائی: بله سازماندهی یک حرکت

عمومی مستلزم یک سازماندهی مشترک است. هر کدام از این جنبشها فی الحال سازماندهی خودشان را دارند. مثلا همانطور که اشاره کردم کارگران پیمانی صنعت نفت، شورای سازماندهی اعتراضات را تشکیل دادند و این شورا نقش مهمی در اعتصاب آنان داشت. همین امروز شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان دست اندر کار جنبش معلمان است. بازنشستگان هم همینطور، جنبش دادخواهی هم همینطور نهادهای مختلفی دارند. برای عمومی شدن مبارزه سازماندهی عمومی و سراسری لازم داریم و به این معنا که این ارگانها، نهادها و فعالینی که در هر یک از این جنبشها، فعال اند اینها با هم مرتبط بشوند، بتوانند تصمیمات واحد بگیرند و بتوانند بیانیه

های واحد و فراخوانهای واحد بدهند. این مستلزم شکل و سازماندهی واحد است. این سازماندهی همانطور که در بخشهای مختلف هم می بینیم اساس اش سازماندهی از طریق مدیای اجتماعی است. همه فعالین جنبشهای جاری اساسا از این ابزار استفاده میکنند. این ابزار است که اجازه میدهد در خیابان هم کنار هم قرار بگیریم و به میدان بیاییم. کافی است که تشکلهای، نهادها، رهبران و چهره های فعال در هر یک از این جنبشها از طریق مدیای اجتماعی، از طریق پلتفرم های اینترنتی دور هم جمع بشوند و نیروهایشان را هماهنگ کنند و فراخوانها، شعارها و اهداف مشترکی را اعلام کنند. بنظر من این نوع سازماندهی عمومی بر مبنای هماهنگی بین تشکلهای و سازمانهای فعلا

موجود کاملاً ممکن و عملی است.

خلیل کیوان: اجازه بدهید یک قدم جلوتر برویم. در مورد مضمون، اهداف و شعارها همچنین سازماندهی جنبشها صحبت کردیم. در مورد اشکال اعتراضی نظرتان چیست؟ یک مبارزه عمومی چه اشکالی میتواند داشته باشد؟ تجمع، اعتصاب، تظاهرات و یا اشکال دیگر. فعالین چه نوع و شکل مشخصی از اعتراض را میتوانند در دستور بگذارند؟

حمید تقوائی: در چند ماه اخیر ما هم شاهد اعتصاب سراسری کارگران نفت بودیم و هم شاهد تجمعات سراسری معلمان و بازنشستگان، و در مواردی هم اعتصاب و تجمع اعتراضی

هم زمان مانند نمونه هفت تپه و بعضی مراکز نفتی. در مورد بازنشستگان طبعا اعتصاب معنایی ندارد و آنها تا کنون با تجمعات اعتراضی فریاد اعتراضشان را بلند کرده اند. معلمان نیز شکل اصلی مبارزه شان تجمعات و میتینگهای خیابانی در مراکز شهرها در یک سطح گسترده است. با توجه به این تجربیات میتوان گفت که در شرایط حاضر و در قدم اول شکل عملی و امکان پذیر مبارزه عمومی تجمعات خیابانی است. تجمع هماهنگ و همزمان در شهرهای مختلف. اگر معلمان میتوانند در سبب شهر و منطقه و روستا به میدان بیایند میشود تصور کرد که اگر این جنبش با جنبش بازنشستگان با جنبش دادخواهی و با جنبش آزادی زندانیان سیاسی همراه بشود قادر خواهد بود بسیار

از سیصد شهر فراتر برود. حتی میتواند ابعاد گسترده ای در خارج کشور پیدا کند. در شرایط حاضر جنبش دادخواهی در خارج کشور خیلی فعال است از طریق دادگاهی مثل ایران تریبونال، دادگاه حمید نوری و فعالیتهای انجمن خانواده های جانبازان پرواز ۷۵۲. جنبش آزادی زندانیان سیاسی نیز از اوین تا وین گسترده شده است. اگر این جنبشها در هماهنگی با جنبش معلمان و بازنشستگان فراخوان مشترکی نظیر تجمعات اعتراضی بدهند مطمئن باشید که در خارج کشور هم منعکس میشود و در خود ایران هم از صدها شهر فراتر خواهد رفت. این میتواند اولین قدم باشد و در ادامه خود به تظاهرات و اعتصابات عمومی منجر بشود.

خلیل کیوان: احزاب سیاسی در این میان چه نقشی دارند، بطور مشخص حزب کمونیست کارگری ایران چه سیاستی را برای پیوند دادن این اعتراضات، متحد کردن و ایجاد یک جنبش عمومی سراسری در دستور دارد؟

حمید تقوائی: من طبعاً از جانب حزب کمونیست کارگری صحبت میکنم امیدوارم احزاب دیگر هم همین حد معطوف به این جنبشها باشند و فعال شوند. تا جایی که به حزب کمونیست کارگری مربوط میشود ما مدتهاست که بروی مبارزات سراسری و مشخصاً اعتصاب سراسری و اعتصاب عمومی تاکید داریم و خوشبختانه جامعه به این سو حرکت کرده است. تا آنجایی

که به سراسری بودن مبارزات مربوط میشود این امر همانطور که توضیح دادم تا حد زیادی متحقق شده است. در این شرایط احزابی که هدفشان هموار کردن راه انقلاب و سرنگون کردن جمهوری اسلامی به قدرت انقلاب است موظفند در جهت عمومی کردن این مبارزات سراسری فعالیت کنند و راه نشان دهند که چگونه میتوان به این هدف رسید.

عرصه دیگری که حزب ما در آن فعال بوده تعمیق و رادیکالیزه کردن شعارها و خواستهها و اهداف جنبشهای اعتراضی است. در هر یک از این جنبشها گرایشات مختلفی وجود دارد، گرایشات نوع دوخردادی، گرایشات راست، و تا آنجایی که به مناطقی مثل کردستان

برمیگردد ناسیونالیسم قومی و غیره. اینها هم فعال هستند و نقش مخربی ایفا میکنند. یک وظیفه ای که ما مقابل خودمان گذاشته ایم این است که با این گرایشات منفی و بازدارنده فعالانه مقابله کنیم. اصل ما اینست که در هر جنبش حق طلبانه، هر جنبش ضد تبعیض، هر جنبشی که خواست برحقی را مطرح میکند و توده مثلا معلم و کارگر یا زنان و دادخواهان و بخشهای معترض جامعه را به میدان میکشاند، حزب ما هم باید فعالانه شرکت و دخالت کند و با طرح شعارها و سیاستها رادیکال و فراگیر و اشکال مبارزاتی موثر و همچنین نقد نظری و سیاسی گرایشهای راست اجازه ندهیم که این گرایشات سازشکارانه جنبش را منحرف کنند یا به عقب بکشند و به آن ضربه بزنند.

در جنبش کارگران نفت این تقابل را دیدیم.
شورای سازماندهی اعتراضات همانطور که

اشاره کردیم یکی وظیفه اش این بود که در برابر
www.wpifran.org
جریان سازشکار خط رادیکال و پیگیری را
مطرح کند که خوشبختانه این خط بالاخره

بخصوص در میان کارگران پیمان: دست بالا
پیدا کرد. در جنبش معلمان هم همین نقش

را ایفا پیگیری توگرام جنبش wpifran.org و
در جنبش و علیها اعداها هم همیشه بود.

بطور خلاصه ما بر این نکات تاکید داریم. اول
از طریق سبگنال، واتساپ و تلگرام و اینستاگرام
در حالت فعال حزب در هر اعتراضی که علیه

بی حقوقی است، علیه فقر است، علیه تبعیض
است. دوم طرح اهداف و شعارهای رادیکال و

فراگیر و پیشبرد یک سیاست رادیکال و پیگیر

بمنظور تعمیق و رادیکالیزه و شفاف کردن جنبش‌های جاری، و بالاخره مقابله با گرایش‌های سازشکارانه‌ای که می‌خواهند این جنبش‌ها را در چهارچوب مطالبات صنفی محدود کنند، یا به عقب بکشند و منحرف کنند. از نظر عملی هم باید شیوه‌های مبارزاتی که در هر مقطع معین بخش هرچه وسیعتری از مردم معترض را فعال میکند و به میدان میکشاند در دستور گذاشت.

حزب ما از این خط و متد پیروی کرده است. این تجربه تا کنونی ما است که موفق هم بوده و نتایج مثبت و دستاوردهای محسوسی داشته است. اگر امروز مبارزات سراسری را می‌بینیم که با شعارهای رادیکال با خواسته‌هایی نظیر

تحصیل رایگان، آموزش رایگان، با شعارهایی
علیه تبعیض، و با تشکیل مجامع عمومی و
شوراهای اعتراضات پا به میدان گذاشته است،
این دستاوردها در جهت و راستای سیاست
هائی است که حزب ما پیگیرانه دنبال کرده
است. حزب ما این خط را ادامه خواهد داد و من
فراخوانم به همه احزاب و نیروها و فعالینی که
واقعا می خواهند جامعه آزاد شود و به برابری،
رفاه و آزادی برسد، این است که همین خط را
دنبال کنند.

۹ فوریه ۲۰۲۲

با تشکر از امیر توکلی برای پیاده کردن متن
اولیه این مصاحبه.

وب سایت:

www.wpiran.org

تماس با حزب:

پیامگیر تلگرام: **wpi_tamas@**

و یا با ارسال پیام به شماره

۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

از طریق سیگنال، واتساپ و تلگرام و اینستاگرام